

نظم تعلیمی در عصر عباسی

علیجان امیریان ملک میان
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده

شعر تعلیمی که بهتر است به خاطر نداشتن یکی از دو ویژگی اساسی شعر یعنی پیوند عاطفی، تعلیمی خوانده شود، برای آموزش علوم، فنون و معارف مختلف به کار می‌رود. مهمترین این علوم و فنون عبارت است از: علم تاریخ، علم نحو، علم لغت، علم طب، علم نجوم، مضامین اخلاقی، حکمی، زهدی، ضرب‌المثل، مسایل دینی و مذهبی، قصه و داستان، فلسفه طبیعت و حیوانات، عاشقانه نامه‌ها، فخر نامه‌ها و ... شعر تعلیمی در پی گسترش ادبیات و علوم و معارف گوناگون و نیز به دنبال نیاز مردم به فراگیری علوم و هنرهای متداول در عصر عباسی پدید آمد و برخی از ناقدان خاستگاه این نوع از نظم را در یونان و هند قرن هشتم پیش از میلاد می‌دانند و به حق باید ظهور این نوع شعر را از ابتکارات شاعران دوره عباسی برشمرد.

واژه‌های کلیدی: نظم تعلیمی، عصر عباسی، علوم و فنون مختلف، متون و قواعد علمی.

مقدمه

در عصر عباسی به دنبال گسترش ارتباط فرهنگی و اجتماعی عباسیان با سایر ملل جهان، عرصه‌های جدیدی به روی ادبیات، به ویژه شعر، گشوده شد که در نتیجه آن علاوه بر رونق اغراض قدیمی از قبیل مدح، هجاء، حماسه و ... اغراض جدیدی نیز برای نخستین بار در ادبیات پدید آمد. از میان مهم‌ترین این اغراض می‌توان به غزل مذکر، طردیات، خمریات، زهدیات و به ویژه شعر تعلیمی اشاره کرد. در این مقاله به پیدایش این فن و اغراض آن و خاستگاه آن و نیز

نمایندگان مشهورش پرداخته شده است. شاعران عصر عباسی موضوعات گوناگون تاریخی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی را در قالب نظم تعلیمی ریختند که مشهورترین اینان عبارتند از: ابن معتز، علی بن الجهم، أبان بن عبد الحمید لاحقی، ابن عبدربه، الکسائی، ابن درید، الاصمعی، سید الحمیری، ابن هبایره البغدادی، سهل بن هارون، ابو فراس الحمدانی و ... مثنوی ۳۰۰ بیتی علی بن الجهم نمونه‌ای از نظم تعلیمی مشهور عصر عباسی است که نگارنده آن را بررسی کرده است.

تعریف نظم تعلیمی

نظم تعلیمی به شعری گفته می‌شود که هدف سراینده آن آموزش علوم، فنون و معارف مختلف باشد. شاعر سعی دارد مجموعه‌ای از حکمت‌ها، پندهای اخلاقی، عقاید مذهبی، رخدادهای تاریخی، قواعد علمی و دیگر مسایل انسانی را به نظم درآورد تا نوآموزان بتوانند بهتر و آسانتر آن را حفظ کنند و به آیندگان راحت‌تر انتقال دهند. شایان ذکر است که ناقدان برای شعر دو ویژگی بر شمرده‌اند: نخست وزن و قافیه، دوم پیوند عاطفی (تحریک‌کننده احساسات خواننده). (عتیق، ۲۰۸-۲۱۰) بنابراین، چون در شعر تعلیمی جنبه‌های عاطفی به ندرت دیده می‌شود، بهتر است به جای لفظ شعر تعلیمی «نظم تعلیمی» به کار گرفته شود.

پیدایش نظم تعلیمی

نظم تعلیمی یکی از پدیده‌های نوظهور در عرصه شعر عباسی است که به دنبال گسترش همه‌گیر ادبیات، علوم و معارف گوناگون و همچنین نیاز مردم به فراگیری علوم و هنرهای متداول آن روزگار پدید آمد. شاعران بزرگ عباسی با بهره‌گیری از ترکیب‌های آسان و عبارت‌های روشن و با ایجاد وزن و آهنگ دلنواز و همچنین با استفاده از هوش و استعداد ذاتی خویش، تمام توش و توان هنری را به کار گرفتند تا متون نثری و قواعد علمی و مسایل تاریخی را به نظم درآورند؛ بی آن که خدشه‌ای بر معنای اصلی متن ایجاد شود یا برای فراگیران علوم و معارف مختلف رنج و خستگی به بار آورد (آذرشب، ۷۹؛ یعقوب و عاصی، ۷۴۴/۲).

نظم تعلیمی پس از رشد و ترقی عقل و اندیشه عربی پا در عرصه شعر عربی این دوره نهاد و به دنبال آن شماری از شاعران، برخی از علوم، معارف، داستان‌ها، سرگذشت‌نامه‌ها و خبرها را به نظم کشیدند (ضیف، العصرالعباسی الأول، ۱۹۰) خاستگاه اولیه شعر تعلیمی در ادب عربی، قرن دوم هجری است. شاعران این نهال جدید شعری را به منظور نظم انواع گوناگون علوم و معارف و نیز به جهت سهولت در حفظ قواعد و اصول آن‌ها در گلستان شعر عربی کاشتند. (هداره، ۳۸۰-۳۸۱؛ بستانی، ۳۱)

پیشینه نظم تعلیمی نزد ملل غیر عرب

در منابع مختلف آمده است که یونانیان از دیر باز این فن را می شناختند و چه بسا آنان از سایر ملت‌ها جلوتر هم بودند. شاعر یونانی به نام «هزیود» که در قرن هشتم پیش از میلاد می زیست، قصیده‌هایی در اوج زیبایی سرود و هدف او گردآوری علوم متداول روزگارش و ریختن آن‌ها در قالب شعر بود. همچنین این شاعر در قصیده‌های دیگر، تاریخ خدایان و گفتارهایشان، کارها، جنگ‌ها، فصول سال و دیگر علوم را که به آن‌ها نیاز داشتند به نظم کشیده بود در همین زمان نیز هندیان به نظم تعلیمی رو آوردند و قواعد علم ریاضی و علم نجوم را به نظم کشیدند. از آنجا که تازیان با یونانیان و هندیان در ارتباط بودند، گرایش شاعران غیر تازی به شعر تعلیمی، بر تازیان نیز اثر گذاشت، به‌ویژه پیوند اعراب با هندیان که ادبیات آنان به جهت دارا بودن افسانه‌ها، شب نشینی‌ها و داستان‌های فراوان از ادبیات یونانیان محکم‌تر و مستندتر بود و از طرفی به طبیعت و فضای اندیشه‌های عربی نزدیک‌تر بود (حسین، ۲۲۰/۲-۲۲۱؛ هداره، ۳۸۱).

هدف نظم تعلیمی

هدف نظم تعلیمی به عنوان یک رسالت فرهنگی، آموزش علوم و معارف به مردم جامعه است. موضوع برتر نظم تعلیمی و میدان ویژه آن برای جولان و تاخت و تاز، معانی و مفاهیم اخلاقی جامعه است که دربرگیرنده گلچینی از پندها و حکمت‌های عملی است و در کنار آن مضامین اجتماعی، ادبیات و علوم و فنون متداول روزگار نیز به‌عنوان غایت‌های نظم تعلیمی قرار گرفت (عتیق، ۲۰۸، عطوی، ۷۷؛ شعار، ۵۹؛ ضیف، فصول فی الشعر و نقده، ۶۴).

موضوعات نظم تعلیمی

در نظم تعلیمی شاعران به موضوعات گوناگونی پرداخته‌اند؛ از این میان می‌توان به این موضوعات اشاره کرد: نخست علوم مختلف زمانه از قبیل علم تاریخ، علم نحو، علم لغت، علم طب و علم نجوم؛ دوم مضامین و مفاهیم اخلاقی، حکمی، زهدی و ضرب‌المثل‌ها؛ سوم مسایل مختلف دینی و عقاید مذهبی فرقه‌ها؛ چهارم قصه‌ها و داستان‌های متداول زمانه؛ پنجم فلسفه جهان طبیعت و حیوانات؛ ششم عاشقانه‌نامه‌ها و فخرنامه‌ها و ... (هداره، ۳۸۰-۳۹۳؛ اسماعیل، ۴۰۷؛ ضیف، العصر العباسی الاول، ۱۹۰-۱۹۲؛ ضیف، العصر العباسی الثانی، ۲۴۶-۲۵۴؛ حسین، ۲۲۰-۲۲۳؛ عطوی، ۷۷-۸۰؛ عتیق، ۲۰۸-۲۱۵؛ آذرشب، ۷۹-۸۰؛ شکعه، ۷۹۷).

نمایندگان مشهور نظم تعلیمی در عصر عباسی

هر یک از موضوعاتی که برای نظم تعلیمی بالا اشاره شد، دارای نمایندگان مشهوری است

که به منظور آموزش فراگیران، این موضوعات را به نظم کشیده‌اند. از جمله: ابن معتز، علی بن الجهم، ابن عبدربه، الاصمعی، اسحاق بن خلف البهرانی، الکسائی، ابن درید، اسحاق بن حنین، محمد بن ابراهیم فزاری، أبان بن عبدالحمید لاحقی، ابن هباریه البغدادی، أبوالعتاهیه، بشر بن المعتمر، سید الحمیری، سهل بن هارون، علی بن داود، احمد بن أبی طاهر، حکم بن عمر البهرانی، الرقاشی، حمدان بن أبان لاحقی، أبو فراس الحمدانی و ... (همانجاها).

بررسی مثنوی علی بن الجهم به عنوان نمونه‌ای از نظم تعلیمی

این مثنوی دارای ۳۰۰ بیت است و مشتمل بر دو بخش: بخش نخست آن درباره آغاز آفرینش مخلوقات و تاریخ پیامبران است؛ بخش دوم آن به تاریخ اسلام و خلفای اسلامی می‌پردازد. شاعر بخش اول ارجوزه خویش را با ستایش خالق هستی و با درود و سلام بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آغاز می‌کند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَعِيدِ الْمُبْدِي حَمْدًا كَثِيرًا وَ هُوَ أَهْلُ الْحَمْدِ
ثُمَّ الصَّلَاةُ أَوْلًا وَ آخِرًا عَلَي النَّبِيِّ بَاطِنًا وَ ظَاهِرًا

(نورالدین، ۱۲۹)

سپس به مراحل مختلف هستی و آغاز زندگی بشر و آفرینش حضرت آدم و حوا، و داستان پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، عیسی و ... می‌پردازد:

يَا سَائِلِي عَنِ ابْتِدَاءِ الْخَلْقِ مَسْأَلَةَ الْقَاصِدِ قَصَدَ الْحَقِّ
أَخْبَرَنِي قَوْمٌ مِنَ الثَّقَاتِ أُولُو عُلُومٍ وَ أُولُو هَيِّئَاتِ
تَفَرَّغُوا فِي طَلَبِ الْأَثَارِ وَ عَرَفُوا مَوَارِدَ الْأَخْبَارِ
وَ دَرَسُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَا وَ أَحْكَمُوا التَّأْوِيلَ وَ التَّنْزِيلَا
أَنَّ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَ الْبَقَاءُ
أَنْشَأَ خَلْقَ آدَمَ إِنْشَاءً وَ قَدَمِنَهُ زَوْجَهُ حَوَاءً

(همو، ۱۲۹-۱۳۰؛ ضیف، العصر العباسی الثانی، ۲۴۷؛ آذر شب، ۸۰)

شاعر در بخش دوم قصیده درباره اوضاع و احوال ملل و اقوام پس از حضرت مسیح (ع) تا ظهور اسلام و همچنین درباره شرک و گناهان متداول روزگار سخن به میان می‌آورد، تا اینکه جهان هستی به نور پر فروغ حضرت محمد (ص) جان تازه‌ای به خود می‌گیرد:

ثُمَّ أزالَ الظُّلْمَةَ الضَّيِّأُ وَ عَاوَدَتِ جِدَّتْهَا الْأَشْيَاءُ
أَتَاهُمُ الْمُتَنَجِّبُ الْأَوَاهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى عَلَيْهِ اللهُ

(نورالدین، ۱۳۱؛ ضیف، العصر العباسی الثانی، ۲۴۸؛ آذر شب، ۸۰)

شاعر در ادامه از رسالت پیامبر اعظم (ص) و موضع‌گیری مکیان و دشمنی آنان با شخص پیامبر (ص) و هجرتش به مدینه و نیز درباره خلفای راشدین، به‌ویژه، کارهای عمر بن خطاب در زمان خلافتش داد سخن سر می‌دهد:

وَ قَامَ مِنْ بَعْدِ أَبِي بَكْرٍ عُمَرُ فَبَرَزَتْ أَيَّامُهُ تِلْكَ الْغُرُ
تَضَعَضَعَتْ مِنْهُ مُلُوكُ فَارِسَ وَ خَرَّتِ الرُّومُ عَلَى الْمُعَاطِسِ

(نورالدین، ۱۳۱-۱۳۲؛ ضیف، العصر العباسی الثانی، ۲۴۸)

این شاعر پس از بیان خلافت عثمان و علی بن ابی طالب (ع)، از خلافت امویان و حوادث مهم روزگارشان، به‌ویژه از یزید بن معاویه با تندی و سرزنش یاد می‌کند، زیرا فاجعه خونین کربلا و شهادت سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) و یارانش به فرمان او صورت گرفت. شاعر از میان خلفای اموی تنها از خلیفه عمر بن عبدالعزیز تمجید و ستایش می‌کند و در پایان درباره خلفای عباسی و تحولات و حوادث آن دوره سخن به میان می‌آورد و جعفر متوکل خلیفه عباسی را به جهت ساماندهی اوضاع مملکت می‌ستاید و بر کشته‌شدن آن خلیفه به دست ترکان عثمانی و نیز بر آشفستگی و اختلال در نظام حکومتی تأسف و اندوه می‌خورد:

وَ بَايَعَ النَّاسُ الْإِمَامَ جَعْفَرًا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْأَعْرَ الْأَزْهَرَا
قَدْ سَكَنَ اللَّهُ بِهِ الْأَطْرَافَا فَمَا تَرَى فِي مُلْكِهِ خَلَافَا
ثُمَّ تَوَلَّى قَتْلَهُ الْفِرَاعِنَه وَسَاعَدَتْهُمْ عَصِيْبَه فِرَاعِنَه
لِأَرْبَعِ خَلَوْنَ مِنْ شَوَالٍ فَاصْبَحَ الْمَلِكُ أَخَا اِخْتِلَالٍ

(همانجاها)

علاوه بر منظومه علی بن الجهم، سروده‌های تعلیمی دیگری نیز در موضوعات گوناگون از سوی شاعران بر جای مانده است. از این رو، می‌توان به چند نمونه از آن منظومه‌ها اشاره کرد:

- سروده کسائی درباره علم نحو:

إِنَّمَا النَّحْوُ قِيَاسٌ يُتَّبَعُ وَ بِهِ فِي كُلِّ أَمْرٍ يُنْتَفَعُ
فَإِذَا مَا أَبْصَرَ النَّحْوَ فَتَى مَرَّفِي الْمَنْطِقِ مَرًّا فَاتَّسَعَ ...

(هداره، ۳۸۵)

مثنوی چهارصد بیتی ابن معتز درباره تاریخ عصر عباسی:

بِاسْمِ إِلَهِ الْمَلِكِ الرَّحْمَنِ	ذِي الْعِزِّ وَالْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْإِثْمِ	أَحْمَدُهُ وَالْحَمْدُ مِنْ نِعْمَائِهِ
أَبَدَعَ خَلْقًا لَمْ يَكُنْ ، فَكَانَا	وَ أَظْهَرَ الْحُجَّةَ وَالْبَيَانَ
وَ جَعَلَ الْخَاتَمَ لِلنُّبُوَّةِ	أَحْمَدَ ذَا الشَّفَاعَةِ الْمَرْجُوءِ ...
هَذَا كِتَابُ سِيرِ الْإِمَامِ	مُهَدَّبًا مِنْ جَوْهَرِ الْكَلَامِ
أَعْنَى أَبِي الْعَبَّاسِ خَيْرِ الْخَلْقِ	لِلْمَلِكِ قَوْلُ عَالِمٍ بِالْحَقِّ ...

(ابن معتر، ۴۸۱؛ ضیف، العصر العباسی الثانی، ۲۴۹-۲۵۰)

منظومه ابان بن عبد الحمید لاحقی. شاعر در این منظومه کتاب «کلیه و دمنه» را که سرشار از حکمت و پند و ضرب المثل است در چهارده هزار بیت به نظم کشید:

هَذَا كِتَابُ آدَبٍ وَمِحْنَةٍ	وَ هُوَ الَّذِي يُدْعَى كَلِيلَةَ دِمْنَةٍ
فِيهِ دَلَالَاتٌ وَ فِيهِ رُشْدٌ	وَ هُوَ كِتَابٌ وَ ضَعْتَهُ الْهِنْدُ
فَوَصَّفُوا آدَابَ كُلِّ عَالِمٍ	حِكَايَةً عَنِ أَلْسِنِ الْبِهَائِمِ
فَالْحُكَمَاءُ يَعْرِفُونَ فَضْلَهُ	وَ السُّخَفَاءُ يَشْتَهُونَ هَزْلَهُ ...

(هداره، ۳۸۸، حسین، ۲/۲۲۱ بستانی، ۳۲، آذر شب، ۷۹-۸۰)

سروده‌ی ابن هباریه البغدادی، این شاعر پندها، ضرب المثل‌ها، قصه‌ها و گفتارهای ادبی کتاب «الصادح و الباغم» را در دو هزار بیت به نظم کشید:

لَا تَقْبَلِ الدِّيَّةَ	لَا تَخْفِ الْمَيِّتَةَ
لَا تَطْلُمِ إِلَّا خَوَانَا	لَا تَأْمَنِ الزَّمَانَا
مَنْ لَزِمَ الْقَنَاعَةَ	كَانَتْ لَهُ بِضَاعَتُهُ
مَنْ أَحْسَنَ السِّيَاسَةَ	دَامَتْ لَهُ الرَّئَاسَةُ
لَيْسَ مَعَ الْمَوْتِ فَرَحٌ	لَيْسَ مَعَ الْعِلْمِ تَرَحٌ
لَيْسَ عَلَى الْخَيْرِ نَدَمٌ	لَيْسَ مَعَ الذِّكْرِ عَدَمٌ

مَا كُلُّ قَوْلٍ يُسْمَعُ مَا كُلُّ نَصْحٍ يُنْجَعُ
مَا كُلُّ عَذْرِ يُقْبَلُ مَا كُلُّ ذُلٍّ يُحْمَلُ

(عتیق، ۲۱۳-۲۱۵، عطوی، ۷۹)

دو قصیده مشهور «بشرین المعتمر» درباره فلسفه طبیعت و جهان حیوانات. شاعر در این دو قصیده گونه‌های مختلف حیوانات و حشرات و شگفتی‌ها و نوا در روزگار را بیان کرده است. قصیده اول شصت بیت دارد و با این مطلع آغاز می‌شود:

النَّاسُ ذَابًا فِي طِلَابِ الْغِنَى وَ كُلُّهُمْ مِنْ شَأْنِهِ الْخَيْرُ
كَأَذْوَبٍ تَنْهَشُهَا أَذْوَبٌ لَهَا عَوَاءٌ وَ لَهَا زَفْرُ
تَبَارَكَ اللَّهُ وَ سُبْحَانَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ النَّفْعُ وَ النَّصْرُ...

قصیده دومش هفتاد بیت دارد و با مطلع زیر آغاز می‌شود:

مَا تَرَى الْعَالَمَ ذَاخِشَوَةً يَقْصُرُ عَنْهَا عَدَدُ الْقَطْرِ
أَوَابِدُ الْوَحْشِ وَ أَحْنَشُهَا وَ كُلُّ سَبْعٍ وَ أَفْرِ الطُّفْرِ
وَ بَعْضُهُ ذُو هَمَجٍ هَامَجٍ فِيهِ اعْتِبَارٌ لِدَوَى الْفِكْرِ...

(الجاحظ، ۴۶۷/۲، ۴۷۰، عتیق، ۲۱۰-۲۱۲؛ عطوی، ۷۷، هذارة، ۳۸۷)

نتیجه‌گیری

شعر تعلیمی یکی از اغراض جدید شعر در عصر عباسی است. از این رو، پس از جستجو درباره پیدایش این فن در عصر عباسی، نتایج زیر حاصل شد:

- ۱- به‌جای شعر تعلیمی باید از واژه «نظم تعلیمی» استفاده کرد، چرا که این نوع شعر فاقد پیوند عاطفی است و این در حالی است که شعر باید از چنین پیوندی برخوردار باشد.
- ۲- پیدایش نظم تعلیمی به قرن دوم هجری در عصر عباسی برمی‌گردد ولی ناگفته نماند که یونانیان و هندیان در این فن گوی سبقت را از سایر ملل ربوده‌اند.
- ۳- هدف شعر تعلیمی سهولت امر آموزش علوم و فنون و معارف مختلف به دیگران است.
- ۴- موضوعات شعر تعلیمی با توجه به فضای موجود در عصر عباسی بسیار متنوع و گوناگون است. مهم‌ترین این موضوعات عبارت از: علم تاریخ، علم نحو، علم لغت، علم طب، علم نجوم، مضامین اخلاقی و حکمی و زهدی، مسایل مختلف دینی و مذهبی و ... است.

منابع

- ١- أذر شب، محمد على، ١٣٨٢ ش، **تاريخ الادب العربي في العصر العباسي**، تهران، سمت.
- ٢- ابن المعتز، عبدالله، **ديوان ابن المعتز**، بيروت، دارصادر، بي تا
- ٣- اسماعيل، عزالدين، ١٩٧٥ م، **في الادب العباسي**، بيروت، دارالنهضة العربيه.
- ٤- بستاني، بطرس، ١٩٩٧ م، **ادباء العرب في الاعصر العباسيه**، بيروت، دارنظير عبود.
- ٥- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، ٢٠٠٣ م، **الحيوان**، به كوشش ابراهيم شمس الدين، بيروت، مؤسسه الاعملی للمطبوعات.
- ٦- حسين، طه، **حديث الاربعاء**، قاهره، دارالمعارف، بي تا.
- ٧- شعار، فواز، **الادب العربي**، بيروت، دارالجيل، بي تا.
- ٨- شكعة، مصطفى، ١٩٩١ م، **الشعرو الشعراء في العصر العباسي**، بيروت، دارالعلم للملايين.
- ٩- ضيف، شوقي، ١٩٧١ م، **فصول في الشعر و نقده**، قاهره، دارالمعارف.
- ١٠- همو، ١٤٢٦ ق، **تاريخ الادب العربي (العصر العباسي الاول)**، قم، انتشارات ذوى القربى.
- ١١- همو، ١٤٢٦ ق، **تاريخ الادب العربي (العصر العباسي الثانى)**، قم، انتشارات ذوى القربى.
- ١٢- عتيق، عبدالعزيز، ١٩٧٢ م، **في النقد الادبي**، بيروت، دارالنهضة العربيه.
- ١٣- عطوى، على نجيب، ١٩٩٣ م، **الشعر في العصر العباسي مظاهره و أهم اتجاهاته**، بيروت، مؤسسۀ عزالدين.
- ١٤- نورالدين، ١٩٩٠ م، حسن محمد، **على بن الجهم حياته و أغراضه الشعريه**، بيروت، دارالكتبالعلمية.
- ١٥- هذارة، ١٩٩٨ م، محمد مصطفى، **اتجاهات الشعر العربي في القرن الثانى الهجرى**، بيروت، دارالعلوم العربيّة.
- ١٦- يعقوب، اميل بديع و عاصى، ميشال، ١٩٨٧ م، **المعجم المفصل في اللغة و الادب**، بيروت، دارالعلم للملايين.